حرف‌های بهروز شعیبی درباره سرانجام «روز بلوا»

بهروز شعیبی تاکید می‌کند نسخه سریالی «روز بلوا» با آنچه در جشنواره فجر دیده شده متفاوت است و این اتفاق جزو معدود تجربه‌های خوب بین فیلم‌هایی خواهد شد که به سریال تبدیل شده‌اند. وی در گفت‌وگو با ایسنا گفت: با توجه به اوضاعی که در این دو سال برای اکران پیش آمد، تصمیم گرفتیم نسخه کامل را دوباره تدوین کنیم.

دومین فصل از جلسات دوشنبه‌های نقد کتاب سوره

دانشکده هنر با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه سوره، برای دومین فصل، جلسات نقد کتاب را در دوشنبه‌های هر هفته برگزار می‌کنند. در نشست تازه کتاب «نظریه‌ها و گفتمان‌های سینمای مستند» نوشته دکتر احمد ضابطی جهرمی به بحث گذاشته می‌شود. در این جلسه دکتر شهاب‌الدین عادل درباره کتاب به سخنرانی خواهند پرداخت. این نشست از ساعت ۱۸ امروز در نشانی sibad.soore.ac.ir/v/show/bookreview برگزار می‌شود.

عکس: جاوش همایونی | جام جم

چشم و دل را شست‌وشو دادم

متن تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «تنها گریه کن» به این شرح است:

بسم ا... الرحمن الرحیم؛ با شوق و عطش، این کتاب شگفتی‌ساز را خواندم و چشم و دل را شست‌وشو دادم. همه چیز در این کتاب، عالی است؛ روایت عالی، راوی عالی، نگارش عالی، سلیقه تدوین و گردآوری عالی، و شهید و نگاه مرحمت سالار شهیدان به او و مادرش در نهایت علو و رفعت.

هیچ سرمایه معنوی برای کشور و ملت و انقلاب برتر از اینها نیست. سرمایه باارزش دیگر، قدرت نگارش لطیف و گویایی است که این ماجرای عاشقانه مادرانه به آن نیاز داشت. ۱۰ اسفند ۱۳۹۹

از نویسنده جدا باید تشکر شود.

شاید فقط یکی در جهان

اکرم اسلامی نویسنده کتاب، با متنی از پیش نوشته درباره اشرف‌سادات حرف زد و نوشتن درباره او و زندگی پرفراز و نشیب این مادر شهید را این طور توصیف کرد:

من از مادری هیچ نمی‌دانستم و باید ندیده و نشناخته می‌نوشتمش؛ کار آسانی بود؟ بله! خداوند جنس لطیف را از ابتدای آفرینش مادر خلق کرده، این را تمام آنهایی که دختربچه کوچکی را در حال مراقبت از عروسکی دیده‌اند شهادت خواهند داد. من با قهرمان قصه‌ام رنج حمل کشیدم، فارغ شدم، نوزاد از آب و گل درآمده را غذا دادم، مادری کردم، گاردی‌ها دنبالمان کردند و دویدیم، اعلامیه پخش کردیم، مشت گره کرده شعار دادیم، امام لبخند زد دلگرم شدیم. انقلاب پیروز شد، بالیدیم. صدای جنگ بلند شد، دندان به لب زدیم و هاج و واج ماندیم ولی خیلی زود راه را پیدا کردیم و دست به زانو یا علی(ع) گفتیم. صبح تا شب هزار جور کار را به سرانجام رساندیم و خسته نشدیم، رسیده بودیم به بزنگاه قد کشیدن محمد، به نقطه عطف جدا شدنش از کودکی و قدم گذاردن به نوجوانی. محمد شد بسیجی امام (ره). ما، من و قهرمان قصه‌ام یعنی مادر محمد، اسفند دور سرش چرخاندیم و لا حول خواندیم. من به روی خودم نمی‌آوردم اما فکر می‌کردم همین‌هاست دیگر، جلوتر نمی‌رویم که!

محمد اما یک روز صورتش را جلو آورد و اشرف‌سادات با تک بوسه‌ای به پیشانی‌اش از زیر قرآن ردش کرد و گفت: سپردمت به خدا. پشت سرش آیت‌الکرسی را فوت کرد به سمت جای خالی‌اش. اینجا را نمی‌توانستم همراه اشرف‌سادات قدم بردارم. دوست داشتم ولی قدم به او نمی‌رسید. می‌دانستم باید وسیع شوم ولی زورم نمی‌رسید.

شوخی نبود؛ اینجا حرف از اولاد بود. جان خودم بود اگر باکم نبود اما جان خودم نبود اما. من سر جان اولادم معامله نمی‌توانستم بکنم. خوب نگاه کردم و دیدم بین راه من و اشرف‌سادات شکاف افتاده؛ حالا فاصله داشتیم. اشرف‌سادات آرام و راضی رفت پی هیچ خیری را رها نکردن و من چله گرفتم برای به سلامت برگشتن محمد. شکاف بین ما بیشتر شد. هر چه اشرف‌سادات در نبود محمد بیشتر به زندگی بر می‌گشت، من برای محمد بیتاب‌تر می‌شدم. آخر شد آنچه نباید می‌شد. محمد پیچیده در حریر خاک با همان لباس رنگ و رو رفته بسیجی که خون روی آن دلمه بسته بود، برگشت اما خانه نیامد؛ رفت گلزار علی‌بن جعفر(س).

من زمین و زمان را به هم دوختم و فریاد کردم، اشرف‌سادات اما چادرش را بست دور کمرش، کنار آن گودال خالی و وصیت محمد را محقق کرد؛ صورت پسر شهیدش را گذاشت روی خاک و آمد بالا. من ماندم در حیرت. در دنیای من جهان معطل مادری بود. شیون، سوال، دادخواهی، چرا من گفتن‌های بازاری! در جهان اشرف‌سادات ولی همه چیز مثل یک قلب مطمئن گرم می‌طپید.

آنچه را از اشرف‌سادات دیده بودم در حالی نوشتم که با خودم می‌گفتم از این آفرینش پروردگار در جهان شاید فقط یکی باشد، قصه مادر محمد رفت برای چاپ و من نشستم پای پژوهش سوژه‌های بعدی. یک جاهایی صوت مصاحبه‌ها را نگاه می‌داشتم تا هوای سنگین اطرافم رقیق شود و بتوانم نفس بکشم. سوژه‌های بعدی هم مثل قبلی‌ها. تحیر و انکار بزرگ‌ترین آورده من از پژوهش و تفکر در دایره مرکز محوز مادران شهداست؛ ساده بگویم‌تان، اینها مخلوقاتی هستند عجیب، عمیق، عتیق حتی، خلیفه حقیقی رب البتی عتیق. اینها در عین کم‌سوادی آگاهند، بصیرند. به لطف اجداد مکاسب‌خوانده‌شان خوب فقه می‌دانند، اخلاق را نزدیک به کمال بلدند. حق‌الناس را کانهو گوی گداخته می‌دانند، تکلیف محورند، انقلاب برایشان موضوعیت دارد و صرفا یک واقعه تاریخی نیست. دایره محرمات‌شان بسیاری از مکروهان را هم در برمی‌گیرد و به سادگی از مستحبات نمی‌گذرند. اینها همان‌ها هستند که ذکر مخصوص هر روز را بلدند. دائم‌الوضو و دائم‌الصدقه هستند. ظرف کوچیکی از عذایشان حتی، سر سفره همسایه است که بوی غذا بلند می‌شود و می‌پیچد به در و دیوار خانه همسایه. هزار جور ظرایف تربیتی بلدند، یاسین و تبارکشان ترک نمی‌شود. من ساکت، شما بفرمایید هل جزاء الاحسان الا الاحسان.

نویسنده کتاب «تنها گریه نکن» درباره شرح همه ابعاد شخصیت اشرف‌سادات و سختی‌های زندگی او در کتاب به خبرنگار جام‌جم گفت: سعی کردم کمی سختی‌های او را تعدیل کنم. شاید اگر همه مشکلاتش را نقل می‌کردیم کتاب بسیار قطور می‌شد. فقط گفتم و عبور کردیم. مخاطب اهل دل خودش همراه می‌شود و شبیه‌سازی می‌کند. البته که بزنگاه‌ها را شرح دادیم و مفصل از آنها نوشتیم اما کمی هم بار کشف اتفاقات و مسائل را به مخاطب سپردیم.

اکرم اسلامی درباره اسم کتاب نیز توضیح داد: من اسم دیگری را پیشنهاد کرده بودم ولی در یک گفت‌وگوی مشورتی به عقبه داستان برگشتیم و و اتفاقاتی که در جریان نوشتن آن رخ داد. یاد تعریف‌های حاج‌خانم افتاده بودم و سفارش محمد که گفته بود ما مادر و فرزندیم، علاقه‌ای که بین همه مادران و فرزندان هست، بین ما هم برقرار است. من نمی‌توانم از شما بخواهم که گریه نکنی اما از طرفی دلم نمی‌خواهد تحت تاثیر علاقه مادری قرار بگیری و اشک و بی‌قراری شما باعث شود دشمنان انقلاب شاد شوند، بنابراین از شما می‌خواهم که تنها گریه کنید.

...یات بلقیس سرزمین سبا / وگر به هیات هاجر نماد
...صفاست
...اطمه(س) دنیا برای مولا هیچ / بدون فاطمه(س)
...رخداتنهاست
...ینب کبری(س) کدام خطبه ناب / طلایه‌دار پیام بلند
...لاست
...سیده به تکرار مادرانه عشق / بگو به نام خدا شرحی
...عشق
...ه متن تقدیر و تحسین رهبر انقلاب بر شعر نغمه
...ار نظامی و توجه این بانوی شاعر به مادران شهدا
...شد.
...تحسین رهبر انقلاب آمده است:
...الرحمن الرحیم
...کار درست و بجایی کرده‌اند؛ آن بانوی شهیدپرور و آن
...ه در خور چنین ستایشی است. ای کاش برای دیگر
...ارجمند شهیدان در قم مانند مادر شهیدان زین‌الدین
...اسر کشور نیز زلال قریحه شاعران آثاری بیافرینند. من
...تاب را خوانده‌ام و چند کلمه تقریظ بر آن نوشته‌ام.

...ای فرهنگی شهدا

...مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
...هدا را پیام فرهنگی دانست و تاکید کرد وظیفه ما
...از میراث شهداست.
...هنگ و ارشاد اسلامی اشاره کرد: طبق آمار ۸۰ درصد
...و مادران شهدا را از دست داده‌ایم. حضور آنهایی
...ر میان ما هستند مغتنم بدانیم، دعاهای پدران
...ان شهدا قطعا گره‌گشاست و فضای پیشرفت و
تعالی را برای جامعه فراهم می‌کند.

اسماعیلی نفس پدران و مادران شهدا را برکت توصیف کرد و گفت: توصیه‌ای که رهبر معظم انقلاب در این تقریظ و پیام کنکره زنجان داشتند، این بود که یاد و نام شهدا و نیز پدران و مادران آنها را زنده نگه داریم. اگر محمدمعماریان به شهادت رسید، رسالت زینب‌گونه را مادرش سال‌ها به دوش کشید و از همین روست که حضور ایشان در این مجالس نورافشانی می‌کند، دل‌ها را متوجه خدا می‌کند، متوجه ائمه اطهار و معنویت می‌کند. مادران و پدران شهدا بسیار مقدس هستند و سنتی را که رهبر انقلاب در تجلیل از مادران و پداران شهدا دارند، باید تداوم ببخشید.

وزیر ارشاد این راهم اضافه کرد که کشور و انقلاب به برکت خون شهدا و معنویتی که خون شهدا ایجاد کرده، حفظ شده‌است. اسماعیلی ادامه دارد ما که امروز مسؤولیت داریم، من که خدمتگزاری مردم در حوزه فرهنگ و هنر را بر عهده دارم باید از مرزهای ایمانی جامعه حراست و صیانت کنیم.

بیست‌ویکمین دوره جشن حافظ

...اغه‌اش را قورت نداد!

عکس: فارس

...فیلم خاص
...تر از دشت
...م مستند،
...ن بخش هم
...ی چون بانو
...شایستگی
...ودی رقابت
...ی برای دو اثر
...جایزه بیشتر
...اه این جایزه
...د فردی ویژه
...اقدسی) هم
...م از اختیارات
...دو انتخاب،
...سرتیپی در
...جارب مهم
...نمای ایران،
...د.
...ویژه هیات
...برای بازی در
...شاید این
...ش بهترین
...وع شامل

پلتفرم‌ها و رسانه ملی می‌شود)، جایزه بهترین سریال به زخم کاری رسید. این موفقیت در رقابت با آثاری چون آقازاده، آنها، افرا، زیرخاکی، گاندو ۲، می‌خواهم زنده بمانم، همگناه و نون خ ۲ و ۳، قابل پیش‌بینی بود و میزان التهاب قصه، ساختار جذاب و پرضرب‌آهنگ، حضور بازیگرانی محبوب و استقبال گسترده مخاطبان، نقش مهمی در انتخاب زخم کاری به‌عنوان بهترین سریال داشت. با این حال با انصراف سریال قورباغه که به‌جز بخش بهترین سریال، در بخش‌های دیگر تلویزیونی چون کارگردانی، بهترین فیلمنامه، بهترین بازیگر زن درام و بهترین بازیگر مرد درام هم نامزد دریافت جایزه بود، معادلات پیچیده بخش تلویزیون تا حد زیادی حل و کار داوران به‌ویژه در بخش بهترین سریال راحت شد. در حالی‌که با حضور قورباغه در رقابت، چالش داوران به بالاترین حد خود می‌رسید و هر انتخاب آنها می‌توانست به‌عنوان بی‌اعتنایی به شایستگی اثر دیگر تعبیر شود.

اما داوران در بخش‌های ظاهرا ساده‌تر و کم‌چالش‌تر، تصمیماتی گرفتند که بهترین انتخاب به نظر نمی‌رسید. در بخش بهترین کارگردانی تلویزیونی، جایزه را به شهرام شاه‌حسینی برای می‌خواهم زنده بمانم اهدا کردند؛ درحالی‌که گزینه‌های شایسته‌تری چون محمدحسین مهدویان (زخم کاری)، مصطفی کیایی (همگناه) و سعید آقاخانی (نون خ ۲ و ۳) وجود داشتند.

جالب این که جایزه بهترین فیلمنامه تلویزیونی و بهترین فیلم به زخم کاری می‌رسد اما جایزه بهترین کارگردانی را به سریال دیگری می‌دهند. درحالی‌که حلقه اتصال این موفقیت در فیلمنامه و فیلم، قطعا کارگردانی است.

یکی از بهترین و مطمئن‌ترین انتخاب‌ها در بخش بهترین بازیگر زن کمدی است و ژاله صامتی به شایستگی برای بازی در سریال تلویزیونی زیرخاکی ۱ و ۲، تندیس حافظ را به‌دست آورد. هرچند باید به بازی خوب ویشکا آسایش در دراکولا هم اشاره کرد.

همین اتفاق در بخش بهترین بازیگر مرد کمدی هم افتاد و بازی بامزه پژمان جمشیدی در دو فصل زیرخاکی به‌درستی شایسته جایزه شناخته شد؛ هرچند رقیب پرقدرتی چون سعید آقاخانی در نون خ ۲ و ۳ داشت. نکته قابل اشاره دیگر این‌که همه نامزدهای بخش بهترین بازیگر زن کمدی، مربوط به سریال‌های تلویزیونی بودند و پلتفرم‌ها و شبکه نمایش خانگی، نامزدی در این بخش نداشتند.

یکی از قاطع‌ترین و درست‌ترین تصمیمات، اهدای جایزه بهترین بازیگر زن درام به رعنا آزادی‌ور بود. با توجه به میزان خشونت کاراکتر سمیرا در زخم کاری و تشرهای فیزیکی به مالک، شما یک درصد فکر کنید اگر بازیگر دیگری در این بخش برگزیده می‌شد، چه اتفاقی برای داوران محترم جشن حافظ می‌افتاد! بازی آزادی‌ور به‌قدری جذبه داشت که چندان به برنده شدن هدیه تهرانی (همگناه) فکر نمی‌کنیم.

در بخش بهترین بازیگر مرد درام که باز رقابت نزدیک‌تر بود، جایزه به امیر آقایی برای بازی در آقازاده رسید. با وجود استاندارد بازی آقایی، آیا جواد عزتی برای بازی در زخم کاری، انتخاب شایسته‌تری نبود؟ این تازه بدون درنظر گرفتن نامزدهایی چون حامد بهداد و علی شادمان (می‌خواهم زنده بمانم) و نوید محمدزاده (قورباغه) است.

جایزه بهترین چهره تلویزیونی هم به سروش صحت برای کتاب باز رسید. انتخابی شایسته که به‌طرز جالبی با هفته کتاب هم‌زمان شد. گرچه مخاطبان زیادی ترجیح می‌دادند این جایزه به مهران مدیری (دورهمی) یا حامد آهنگی (شب آهنگی) می‌رسید.

در بیست و یکمین دوره جشن حافظ از یک عمر فعالیت هنری مسعود کیمیایی هم تجلیل شد. فیلمساز سرشناس سینمای ایران به دلیل کسالت در مراسم حضور نداشت اما جواد طوسی به نیابت از کیمیایی این جایزه را دریافت و پیامی را از جانب او قرائت کرد؛ پیامی که حاوی اهدای این جایزه به زاینده‌رود تشنه بود.

یک بازی دورهمی!

مهران مدیری که خودش نامزد دریافت جایزه بهترین چهره تلویزیونی برای برنامه دورهمی بود، در بخش بهترین بازیگر مرد روی صحنه آمد تا جایزه پیمان معادی را اهدا کند. معادی البته به‌دلیل حضور سر صحنه فیلمبرداری در مراسم حاضر نبود اما آنچه در این بخش حاشیه‌ساز شد، صحبت‌های مدیری بود. او گفت: چون محمدحسین مهدویان اینجا حاضر است این حرف را می‌زنم. نمی‌دانم چرا مرا برای بازی در درخت گردو انتخاب کرد اما خیلی بد بودم و اگر جایزه چپق طلایی بود باید به من می‌دادند! اما پیمان (معادی) درخشان بود.

گرچه می‌توان این اعتراف مدیری را یک شوخی دانست اما خوانش جدی از آن را هم نباید نادیده گرفت. فقط کاش آن زمان که او با عینک تیره در نشست رسانه‌ای فیلم در جشنواره حاضر شد، چنین حرفی را می‌زد و سازندگان به این انتخاب اشتباه و بازی دور از استاندارد اعتراف می‌کردند. اما خب، روابط و وجود تهیه‌کننده و سرمایه‌گذاری مشترک دورهمی و درخت گردو، مجالی برای ضوابط باقی نمی‌گذاشت و ظاهرا آنچه اهمیت نداشت، فیلمنامه و تناسب نقش و بازیگر بود.

اخبار

راه‌اندازی سامانه «ارتباط با کتابدار»

معاونت توسعه کتابخانه‌ها و ترویج کتابخوانی نهاد از فعال‌شدن سامانه «ارتباط با کتابدار» در تمام پرتال کتابخانه‌های عمومی متصل به سامانه مدیریت خبر داد.

در خبری که پایگاه اطلاع‌رسانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور منتشر کرده، آمده است: سامانه «ارتباط با کتابدار» با هدف توسعه خدمات غیرحضوری در کتابخانه‌های عمومی و بهبود و ارتقاء روند ارائه خدمات مرجع مجازی در تمام پرتال‌های کتابخانه‌های عمومی متصل به سامانه مدیریت فعال شد.

با استفاده از این قابلیت جدید، کاربران سامان و اعضای کتابخانه‌های عمومی می‌توانند پرسش‌ها و درخواست‌های خود را برای کتابداران کتابخانه ارسال کنند و در کوتاه‌ترین زمان ممکن، پاسخ پرسش‌های خود را دریافت کنند. بهبود ارتباط با اعضای کتابخانه‌های عمومی، ارتقاء قابلیت‌های خدماتی کتابخانه‌ها در محیط نرم‌افزاری سامان، بهبود روند تعامل کتابداران و اعضای کتابخانه و توسعه خدمات مرجع مجازی ازجمله اهداف این سامانه جدید است.

«پرسش از کتابدار»، «درخواست معرفی کتاب»، «درخواست پستی کتاب»، «درخواست مقاله»، «پیشنهاد و انتقاد»، «پیگیری درخواست‌ها» و «امکان ارسال و اعلام خطاهای فنی سامانه به کارشناسان ذی‌ربط» ازجمله قابلیت‌های در نظر گرفته‌شده در سامانه ارتباط با کتابدار است.

با توجه به اتصال تمام کتابخانه‌های عمومی به نرم‌افزار یکپارچه سامانه مدیریت سامان این زیرساخت برای ارائه یکی از اساسی‌ترین خدمات کتابخانه‌ای یعنی خدمات مرجع و پرسش و پاسخ آنلاین ارتقا یافته و براین اساس با همکاری ادارات کل فناوری اطلاعات و توسعه کتابخانه‌ها، امکان ارتباط کاربران و اعضاء کتابخانه با کتابداران در سامانه مدیریت فراهم شده است.

آثار آبرنگ «صنعتی» پس از سال‌ها به نمایش گذاشته می‌شود

نمایشگاهی از آثار آب‌رنگ علی‌اکبر صنعتی، نقاش و مجسمه‌ساز سرشناس ایرانی اهل کرمان و از مشهورترین هنرمندان مکتب کمال‌الملک در گالری آرتیبیشن به روی دیوار می‌رود.

به گزارش جام‌جم، علی‌اکبر صنعتی متولد سال ۱۲۹۵ در کرمان است. پدرش را در کودکی از دست داد و مادرش به علت مشکلات مالی او را به پرورشگاه صنعتی کرمان سپرد. بعد از بروز استعداد و هنر این هنرمند در کودکی، مرحوم حاج علی‌اکبر صنعتی، مدیر پرورشگاه او را به مدرسه صنایع مستظرفه فرستاد و او نزد ابوالحسن صدیقی و علی‌محمد حیدریان نقاشی و مجسمه‌سازی آموخت.

تکنیک علی‌اکبر صنعتی به قدری بالا بود که با آبرنگ بسیار خیس هم کار می‌کرد. زبردستی این هنرمند به پرتره‌های آبرنگ‌اش روح بخشیده و از این رو آثار آبرنگ او از جهت ظرافت و دقت منحصر به فرد بوده و برای مخاطب شگفت‌انگیز است.

برگزاری نمایشگاهی از مجموعه آبرنگ این هنرمند به منظور ارج نهادن به هنر این استاد شکل گرفته و از جهت حفظ و یادآوری هنر او در حافظه جمعی نسل‌های مختلف اهمیت دارد.

نمایشگاه آثار آبرنگ علی‌اکبر صنعتی از روز جمعه ۵ تا ۱۴ آذر در گالری آرتیبیشن برپا خواهد بود. علاقه‌مندان می‌توانند هر روز از ساعت ۱۱ تا ۲۰ به گالری آرتیبیشن به نشانی خیابان شریعتی، نرسیده به بزرگراه همت، خیابان گل‌نبی، میدان احمدی روشن، خیابان ساسانی‌پور، کوچه قندی، شماره ۶ مراجعه کنند.

همچنین نمایشگاه برای افرادی که در قرنطینه به سر می‌برند، به صورت آنلاین و همزمان با آغاز نمایشگاه در سایت آرتیبیشن.www artibition.net دایر خواهد شد.